

سرمایه‌داری و معضل جهانی غذا

محمود غفوری^۱

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان

محمد داوند

دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه

شهید باهنر کرمان

(تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۳ - تاریخ تصویب: ۹۳/۱/۱۸)

چکیده

بررسی‌ها نشان می‌دهند غذای کافی برای تمامی مردم دنیا وجود دارد، اما در چند دهه اخیر شمار افرادی که از گرسنگی رنج می‌برند، در حال افزایش است. گرچه تلاش‌های زیادی به وسیله سازمان‌ها و توافقات بین‌المللی به منظور کاهش و حتی از بین بردن مشکل گرسنگی صورت گرفته، اما این مشکل همچنان به قوت خود باقی است. بنابراین تحلیل نتایج و عواقب برخورد متناقض نظام سرمایه‌داری با نبود امنیت غذایی، خمیرمایه اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. از همین رو، نخست ضمن توصیف ابعاد و اضلاع نظام سرمایه‌داری، ارتباط آن با مسئله غذا مشخص می‌گردد. سپس به نقش سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی در کاهش کمی و کیفی ابعاد معضل گرسنگی پرداخته می‌شود. در ادامه، در خصوص عواملی که سرمایه‌داری به وسیله آن‌ها کمبود غذا و گرسنگی را تشدید می‌کند بحث می‌شود و در پایان، نتایج و عواقب ناگوار پدیده نبود امنیت غذایی در سطح جامعه بین‌المللی بررسی می‌گردد.

واژگان کلیدی

سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی، غذا، گرسنگی، نظام سرمایه‌داری

۱. مقدمه

بر اساس اعلام سازمان خواربار کشاورزی ملل متحد (فائو)، سالانه نزدیک به یک میلیون انسان بر اثر گرسنگی جان خود را از دست می‌دهند، در حالی که کمبود تولید مواد خوراکی علت گرسنگی انسان‌ها نیست. این نکته را در امریکا جایی که مواد خوراکی بیشتر از نیازهای مردم وجود دارد می‌توان آشکارا دید. در این کشور، گرسنگی به عنوان یک مشکل مهم پابرجاست. برآورد وزارت کشاورزی امریکا در سال ۲۰۰۶م نشان می‌دهد که بیش از ۳۶ میلیون نفر از جمله ۱۳ میلیون کودک در خانواده‌هایی به سر برده‌اند که امنیت خوراکی نداشته‌اند. ۱۲ میلیون بزرگسال ناتوان از مصرف مواد خوراکی نیروبخش بوده‌اند. در ۷ میلیون خانوار به برخی از افراد یا کمی خوراکی رسیده یا چیزی نرسیده است (مگ داف، ۱۳۸۹، ص ۲۵۹-۲۵۸). به جرأت می‌توان مدعی شد که حل بحران گرسنگی یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های جامعه بشری در طول تاریخ بوده است. با پیشرفت تمدن و تکنولوژی در قرن‌های اخیر، جامعه بین‌المللی در مبارزه با گرسنگی نه تنها با موفقیت روبه‌رو نشده، بلکه حتی شاهد نهادینگی بحران غذا و تبعات منفی آن در ابعاد دیگر زندگی اجتماعی به واسطه عملکرد متناقض نظام سرمایه‌داری بوده است. در این میان کوشش‌هایی که از سوی سازمان‌های بین‌المللی، قطعنامه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی (برخاسته از لیبرالیسم و نئولیبرالیسم) برای به حداقل رساندن گرسنگی، دسترسی پایدار به غذای کافی و وافی، توزیع مناسب مواد غذایی، آموزش جهانی برای پایان دادن به گرسنگی و... صورت می‌گیرد، در رویارویی با سیاست‌های غذایی نظام سرمایه‌داری کارآیی چشمگیری نداشته است. چرا که سازمان‌های یادشده از توان و تمایل سیاسی و اقتصادی لازم در مقابل ارزش‌هایی همچون مصرف‌گرایی و بی‌مسئولیتی و قواعدی مانند رقابت در بازار آزاد و مالی‌سازی اقتصاد در زمینه معضلات غذایی برخوردار نیستند.

۲. طرح مسئله

بر اساس گزارش فائو، در سال ۲۰۰۸م یک میلیارد و دویست میلیون نفر از گرسنگی رنج می‌بردند. گزارش تأکید می‌کند که جمعیت آن‌ها پیوسته در حال افزایش است، حدود یک میلیارد نفر از این افراد گرسنه در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند که در سال ۲۰۰۹ تقریباً حدود ۱۰۰ میلیون نفر به آن‌ها افزوده شده است. اگرچه جامعه بین‌المللی پیشرفت‌های زیادی در طی ۴۰ سال گذشته به واسطه کاهش درصد افرادی که از گرسنگی رنج می‌برند داشته است، اما به‌طور کلی تعداد افرادی که با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند با رشد جمعیت جهان افزایش می‌یابد (Fao, 2008). همچنین نزدیک به ۲۴۰ میلیون نفر در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا یا یک نفر از چهار نفر در این منطقه، از مواد غذایی کافی و از یک

زندگی سالم و فعال برخوردار نیستند و افزایش قیمت مواد غذایی و خشکسالی مردم بیشتری را دچار فقر و گرسنگی می‌کند (Fa0, 2010). سخنگوی سازمان ملل، بحران غذایی در جهان را «سونامی در سکوت» توصیف کرده است. ضیاء قریشی، مشاور ارشد بانک جهانی، در نشستی در سازمان ملل گفت شمار گرسنگان جهان در سال ۲۰۰۹م از یک میلیارد نفر فراتر رفت و در سال ۲۰۱۰ این رقم همچنان افزایش یافت. بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، در یکی از سخنرانی‌های خود در نیویورک اظهارداشت: رسیدگی و بررسی بحران غذا در جهان یکی از اولویت‌های سازمان ملل است. بر اساس برنامه توسعه هزاره سوم سازمان ملل، قرار است با کمک کشورهای صنعتی، تعداد گرسنگان جهان تا سال ۲۰۱۵ به نصف کاهش یابد، اما برآوردها و نهادهای بین‌المللی دستیابی به این هدف را بسیار دشوار و به منزله یک معجزه نشان می‌دهند؛ چراکه بحران مالی و اقتصادی جهان نیز به بحران امنیت غذایی افزوده شده است (زمانی، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

مشکل عمده، نبود امنیت غذایی و چالش‌های ناشی از آن مانند مشکلات سیاسی (جنگ‌های داخلی و شورش‌های اجتماعی)، اجتماعی (فقر، ترک کشاورزی و مهاجرت به شهرها) و جمعیتی (مرگ و میر کودکان) است که در چارچوب اقدامات نظام سرمایه‌داری به‌خوبی قابل توضیح و تبیین می‌باشد. به عبارت دیگر، مسئله کمبود غذا به‌طور کامل ناشی از افزایش جمعیت و کمبود تولید غذا نیست، بلکه رفتار نظام سرمایه‌داری در قالب اصول لیبرالی و نئولیبرالی به مشکل غذای ناکافی برای طبقات پایین در بیشتر کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، دامن زده است.

از این‌رو، از یک سو، در سال ۱۹۹۶م دبیرکل سازمان خواروبار کشاورزی اعلام کرد: «بحران غذایی به دنبال افزایش شدید قیمت‌های غله در سال جاری این هشدار را به کشورها داد که باید از لحاظ تولید مواد غذایی اتکای بیشتری به خود داشته باشند» (Hargreves, 1992). چامسکی نیز در کتاب *نئولیبرالیسم و نظم جهانی، بهره‌کشی از مردم، می‌نویسد*: «فائو به کشورهای درحال توسعه هشدار می‌دهد که سیاست‌هایی را که توافق واشنگتن بر آن‌ها تحمیل کرده و اثری هولناک بر بخش اعظم جهان گذاشته است، لغو نماید». وی می‌افزاید کنترل منابع غذایی از سوی غول‌های شرکتی در جریان است و امضا و اجرای موافقت‌نامه‌های ارتباط دوبرد و خدمات مالی در نوبت بعدی قرار دارند (چامسکی، ۱۳۷۹، ص ۸۲).

از سوی دیگر، سازمان ملل و ارگان‌های تخصصی، اعلامیه‌ها و کمیسیون‌های وابسته به این سازمان که به نوعی درصدد ارتقای امنیت غذایی و به حداقل رساندن گرسنگی هستند، ریشه در لیبرالیسم و به‌طور کلی نظام سرمایه‌داری دارند. سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد (فائو) را نمایندگان ۴۴ دولت در هات اسپرینگ ویرجینیای امریکا پایه‌گذاری کردند.

چشم‌انداز فائو وجود دنیای عاری از گرسنگی و سوء تغذیه است. همچنین کمک‌های غذایی یکی از عوامل اصلی امنیت غذایی برای کشورهای فقیر به‌شمار می‌آید؛ حجم کمک‌های غذایی در دسترس هنوز هم کفایت نمی‌کند، ضمن اینکه به کاربرد صحیح کمک‌های غذایی و اجتناب از ضد انگیزه‌های تولیدی در کشورهای دریافت‌کننده کمک‌ها باید بیشتر توجه شود (فائو، ۱۳۶۸، ص ۲۳۳).

به این ترتیب، پرسش‌های اصلی این مقاله از این قرارند: نظام سرمایه‌داری چه فرصت‌هایی را در قالب چه مکانیسم‌هایی برای رفع گرسنگی جهانی تدارک دیده است؟ محدودیت‌ها و موانع آن برای مبارزه با گرسنگی چیست؟ و آثار و نتایج این محدودیت‌ها به چه شکلی در جهان امروزی بازتاب یافته‌اند؟

۳. مبانی نظری

سرمایه‌داری اغلب یک سیستم اقتصادی تعریف شده است که در آن بازیگران خصوصی به خود اجازه کنترل و استفاده از اموالشان را در راستای منافع خود می‌دهند. در نظام سرمایه‌داری دست نامرئی مکانیسم قیمت‌گذاری، به‌طور خودکار، عرضه و تقاضا را در بازار به بهترین شیوه که خیر عمومی نیز در آن است، هماهنگ می‌کند (Scott, 2006:1). نظام سرمایه‌داری هوادار لیبرالیسم اقتصادی است و بازار اقتصادی را که در آن همه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان با امکان انتخاب با هم روبه‌رو می‌شوند، شرایط لازم نمایان شدن توانمندی‌های تولیدی و اقتصادی می‌داند (مظاهری راد، ۱۳۸۹).

لیبرالیسم از نظر اقتصادی، بسیار بیش از دموکراسی و سوسیال دموکراسی و دولت رفاهی با سرمایه‌داری آزاد عجین بوده است. نئولیبرالیسم نیز از لحاظ اقتصادی، نسبت به نظریه کینز و نقش دولت به عنوان عامل تنظیم اقتصادی تردید داشته و بار دیگر بر مزایای نظام رقابت آزاد تأکید کرده است (بشیریه، ۱۳۸۷، ص ۳۱۳-۳۰۵). برای کشف ویژگی‌های خاص سیاست‌های غذایی نئولیبرالی، ارتباط میان توسعه سیستم غذایی و خود سرمایه‌داری از اهمیت وافری برخوردار است. تاریخ غذا و سیاست تقریباً به اندازه تاریخ انقلاب صنعتی و سرمایه‌داری قرن بیستم قدمت دارد. درک چگونگی تقسیم بین‌المللی کار در قسمت کشاورزی و همچنین سیاست‌های غذایی به‌شدت بستگی به فرآیندهای انباشت سرمایه دارد که می‌تواند به شکل‌گیری مفهوم «رژیم غذایی» بینجامد. مفهوم رژیم غذایی که در تحقیقات بین‌المللی گسترش یافته است، ساختار تولید و توزیع غذا را به شکل عوامل سیاسی بهتر از عوامل اقتصادی تبیین کرده است (Sodano, 2012:367). تعریف بنیادین فریدمن از رژیم غذایی، یک ساختار قانون محور برآمده از تولید و مصرف در صحنه جهانی است (Friedman, 1993:29). رژیم غذایی نئولیبرال محصول

نئولیبرالیسمی است که به اقتصاد جهانی از سی سال پیش شکل داده است. چهار اصل نئولیبرالیسم یعنی مقررات‌زدایی، آزادسازی تجارت بین‌المللی، کاهش هزینه‌های عمومی و خصوصی‌سازی، یک نظم جدید غذایی بین‌المللی را به وجود می‌آورد که با پنج شیوه قابل شناسایی است: نخست، افزایش چشمگیر قدرت شرکت‌های بزرگ؛ دوم، تقسیم بین‌المللی کار بر اساس ویژگی‌های سازمانی زنجیره‌های کالایی مواد غذایی جهانی با افزایش صادرات به جهان جنوب؛ سوم، افزایش دوگانگی محصولات بازار از لحاظ کیفی و هم‌جواری محصولات بی‌کیفیت با محصولات غنی و باکیفیت؛ چهارم، فن‌آوری زیستی نانو و مالکیت معنوی؛ و پنجم، تسریع در کاهش منابع طبیعی، با یک سیستم غذایی جهانی که به‌طور روزافزونی وابسته به محصولات نفتی است (Sodano, 2012: 377).

در رژیم غذایی نئولیبرال، قدرت هژمونیک دولت‌ها در زمینه سیاست‌های غذایی کاهش یافته است و منابع خصوصی دیگر در تسخیر مقررات دولت نیست، بلکه این منابع خصوصی هستند که به تنظیم اقتصاد می‌پردازند. این فرایند که از طریق آن این تغییر رخ داده است، از سوی گفتمان نئولیبرالیسم و جهانی شدن تبیین شده است. این گفتمان حداقل پنج اثر بارز در سطح نظام بین‌الملل بر جای گذاشته است: ۱. پایان سیستم برتون وودز و مقررات‌زدایی و آزادسازی بازارهای سرمایه؛ ۲. مالی‌سازی اقتصاد که موجب شدت گرفتن نوآوری در بخش مالی شده است؛ ۳. ظهور و بروز مکتب اقتصادی شیکاگو به عنوان جریان علمی غالب و استراتژی‌های جدید شرکت‌های چند ملیتی مبتنی بر ساخت زنجیره جهانی عرضه؛ ۴. مرگ اقتصاد سوسیالیستی و ادغام قدرت‌های جدید از جمله چین در اقتصاد سرمایه‌داری؛ ۵. پایان دوره نظم و ستفالی و تضعیف مفهوم حاکمیت دولت (Biersteker, 2002: 53).
گفتمان رژیم غذایی به‌خوبی نتایج امواج بلندمدت گنجاندن غذا در فرآیندهای انباشت سرمایه از قبیل گرسنگی مزمن جهانی، فقر، تخریب منابع طبیعی، رشد نابرابر ثروت و بی‌عدالتی و تخریب فرهنگ دهقانی را به تصویر می‌کشد (Sodano, 2012: 378).

۴. مکانیسم‌های نظام سرمایه‌داری در تقابل با نبود امنیت غذایی

گفتنی است، اگرچه تلاش‌های سطحی برخی از سازمان‌ها و توافقات بین‌المللی در راستای مبارزه با گرسنگی جهانی همچنان ادامه دارد، اما نظام سرمایه‌داری از این توان برخوردار است که به مبارزه ساختاری با معضل گرسنگی بپردازد؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد تلاش سرمایه‌داری در قالب مکانیسم‌های یادشده برای تحریف افکار عمومی جهان است.

۱.۱.۴. سازمان‌های بین‌المللی

طبق ماده یک منشور، یکی از اهداف سازمان ملل متحد همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی است که دارای ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا بشردوستانه باشد؛ از این رو، سازمان‌ها، نشست‌ها و کمیسیون‌های متعددی در خصوص مسئله گرسنگی در طول تاریخ لیبرالسم جهانی شکل گرفته‌اند. در اینجا به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱.۱.۴.۱. سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد

فائو یا سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد از سازمان‌های بین‌المللی است که در زمینه توسعه کشاورزی فعالیت دارد. سازمان فائو در سال ۱۹۴۵م از سوی ۴۴ کشور عضو سازمان ملل متحد تأسیس شد. هدف این سازمان، بالا بردن سطح زندگی و بهبود تغذیه مردم جهان، توزیع مناسب مواد غذایی در مناطق مختلف جهان و ایجاد امنیت غذایی است. مبارزه با سوء تغذیه با ارائه اطلاعات لازم به کشورهای جهان از دیگر اهداف فائو است که بازدهی کشاورزی و سطح تغذیه در جهان را ارتقا داده است. مقر این سازمان در رم است. در سال ۱۹۴۵م اولین کنفرانس فائو در کبک کانادا برگزار شد و فائو به عنوان یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل تأسیس گردید. عرصه‌های اصلی رسالت فائو عبارت‌اند از: بالا بردن سطح تغذیه و استانداردهای زندگی، افزایش بازده تولید و توزیع محصولات کشاورزی، ارتقای سطح زندگی جمعیت روستایی و تضمین رهایی بشریت از گرسنگی. فائو از راه‌های زیر به نیازهای اعضا پاسخ می‌دهد: مشارکت و ریشه‌کنی ناامنی غذایی و دیگر تولیدات دامی و کشاورزی، ارتقا و تقویت سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی برای غذا، و حمایت از حفظ منابع طبیعی و استفاده پایدار از آن (فدایی، ۱۳۹۱).

۲.۱.۴. اجلاس جهانی غذا و برنامه اقدام (۱۹۹۶)

در سال ۱۹۹۶م، اجلاس جهانی غذا در رم جلسه‌ای برگزار و اعلام کرد، بیش از ۸۲۳ میلیون نفر در جهان از غذای کافی و اساسی‌ترین نیازهای غذایی برخوردار نیستند. بیش از ۸۰ کشور به این اجلاس پیوستند و اعلامیه رم را برای حمایت از آنچه از نظر آن‌ها دستیابی انسان به حق اساسی غذای کافی بود، تصویب کردند. اجلاس جهانی غذا به این نتیجه رسید که حق غذای کافی به صورت پایدار در حقوق بین‌الملل نهادینه شده، اما محتوای عملیاتی و ابزارهای کاربردی آن به‌طور کامل درک نشده است. هدف از اجلاس جهانی غذا ۱۹۹۶، کاهش تعداد مردم گرسنه به نصف در طول ۲۰ سال بود. برای رسیدن به این هدف اجلاس، کشورهای

شرکت‌کننده از طریق اعلامیه رم متعهد به هفت اصل شدند که از طریق آن، سیاست‌ها و اصول امنیت غذایی به کشورها نشان داده می‌شد (Fao, 1996).

۳.۱.۴. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی برای مبارزه با فقر و گرسنگی روستایی در فقیرترین مناطق برای توسعه اعتبار می‌دهد. این صندوق برای از بین بردن فقر روستایی اولویت قائل است و برای اطمینان از رسیدن کمک صندوق توسعه به افراد نیازمندتر، فقیران روستایی اعم از زن و مرد را در بهبود شرایط غذایی خود آنان شرکت می‌دهد. ابعاد کار صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی شامل سازمان دادن و بسیج اتحادیه‌های کشاورزی و ماهیگیری در جوامع فقیر است. میلیون‌ها زن و مرد روستایی توانسته‌اند با استفاده از اعتبارها برای تأمین نیازهای اساسی مانند بذر و کود، ابزار و تور، یا برای خرید تجهیزات کنسرو کردن و عمل‌آوری مواد غذایی و یا با تأسیس شرکت‌های کوچک، سطح زندگی خود را از بخور نمیر بالاتر برده، خانواده خود را از فقر نجات دهند (زائی، ۱۳۸۷).

۴.۱.۴. برنامه توسعه هزاره سازمان ملل متحد

بعد از اجلاس جهانی غذا که اهداف آن در سال ۱۹۹۶م منتشر شد، سازمان ملل متحد از سپتامبر سال ۲۰۰۰ در نشست سران برای توسعه و پذیرش اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد نشست‌هایی را ترتیب داده است. مقصود از اهداف توسعه هزاره، گردهمایی تمام کشورهای دنیا برای موافقت با طرح عملیاتی حمایت‌شده از سوی سازمان ملل متحد بوده است. گستره این اهداف شامل به نصف رساندن فقر شدید، پایان دادن به بیماری ایدز، تا آماده‌سازی از راه آموزش جهانی برای پایان دادن به گرسنگی بود. نه تنها پایان دادن به گرسنگی یکی از اهداف برنامه توسعه هزاره است، حتی این هدف از اولین اولویت‌های این برنامه می‌باشد. پروژه هزاره اعلام داشت که فقر و گرسنگی با هم به پیش می‌روند؛ بنابراین به عنوان نخستین هدف، ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی را در دستور کار خود قرار داده است. اهداف توسعه هزاره مانند اهداف اجلاس جهانی غذا، به کاهش افراد گرسنه به نصف تا سال ۲۰۱۵م امیدوار است. سازمان ملل وضعیت هر یک از اهداف توسعه هزاره را در فواصل معین منتشر می‌نماید. در سال ۲۰۰۸م سازمان ملل اطلاعات هشداردهنده‌ای را منتشر نمود با این مضمون که اگرچه میزان افراد گرسنه دنیا از اوایل دهه ۱۹۹۰ کاهش داشته است، اما تعداد مردمی که از دسترسی به مواد غذایی ناتوان هستند، در حال افزایش است. بنابراین با توجه به افزایش قیمت مواد غذایی، سازمان ملل تخمین زد که حدود یک میلیارد نفر در دنیا دچار

گرسنگی هستند و دو میلیارد نفر از مواد غذایی کافی برای یک زندگی سالم بی بهره‌اند (United Nations, 2000).

۲.۲.۴. توافقات بین‌المللی

در زمینه حق دسترسی به غذای کافی در سطح بین‌المللی توافقاتی صورت پذیرفته که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱.۲.۴. اعلامیه جهانی موسوم به ریشه‌کن کردن گرسنگی و سوء تغذیه (۱۹۷۴)

این اعلامیه چنین می‌گوید: حق مسلم هر انسانی است که از گرسنگی و سوء تغذیه در امان باشد. هر کشوری بنا به موقعیت خود مسئول کمک به تحقق این موضوع مهم از طریق تضمین حق دسترسی به غذا برای مردم گرسنه است. این اعلامیه اضافه می‌کند که بیشترین تأثیر بحران غذایی بر مردم کشورهای در حال توسعه است. رفاه بسیاری از مردم دنیا به توانایی آن‌ها برای تولید و توزیع غذای کافی بستگی دارد (World food conference, 1974).

۲.۲.۴. قطعنامه ۵۱/۷ مجمع عمومی؛ غذا و توسعه پایدار کشاورزی

در این قطعنامه، مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد مشکل گرسنگی مزمن به شدت در حال گسترش، به خصوص در میان زنان، کودکان و مردم کشورهای در حال توسعه است. قطعنامه همچنین حق اساسی رهایی از گرسنگی را تحت قوانین بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد و مصرانه از جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد در خصوص همکاری با اجرای عملیاتی طرح اجلاس جهانی غذا کمک می‌خواهد (Res, 1997).

۳.۲.۴. کنوانسیون کمک‌های مواد غذایی (۱۹۹۹)

این کنوانسیون دارای چهار هدف اصلی است:

الف) ایجاد بسترهای مناسب برای کمک‌رسانی مواد غذایی بر اساس پیش‌بینی‌های موجود؛
 ب) تشویق کشورهای عضو برای اطمینان از اینکه کمک‌های غذایی ارائه شده به منظور کاهش فقر و گرسنگی بیشترین گروه‌های آسیب‌پذیر استفاده شده است و بیشترین سازگاری را با توسعه کشاورزی در این کشورها دارد؛
 ج) به حداکثر رساندن اثربخشی و کیفیت کمک‌های غذایی ارائه شده به عنوان یک ابزار قابل کاربرد در حمایت از امنیت غذایی؛
 د) ارائه یک چارچوب برای همکاری، هماهنگی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات میان اعضا در زمینه کمک‌های غذایی برای دستیابی به اثربخشی بیشتر در تمام مراحل عملیات و نیز انسجام هرچه تمام‌تر میان کمک‌های غذایی و سیاست‌های دیگر (Food aid conference, 1999).

۴.۲.۴. رهنمودهای داوطلبانه برای حمایت از تحقق تدریجی حق دسترسی به غذای کافی با توجه به رهنمودهای داوطلبانه، امنیت غذایی در صورتی تحقق می‌یابد که همه مردم به مواد غذایی مطلوب در هر زمانی دسترسی داشته باشند. این نه تنها شامل دسترسی فیزیکی به غذا است، بلکه شامل توانایی اقتصادی نیز می‌باشد. غذای موجود باید نیازهای غذایی مردم را تأمین کند؛ به طوری که به سلامتی و زندگی فعال آن‌ها بینجامد. این رهنمود داوطلبانه چهار ستون امنیت غذایی را مشخص می‌کند: الف) در دسترس بودن مواد غذایی (وجود غذا)؛ ب) ثبات عرضه؛ ج) امکان دسترسی به غذا؛ د) استفاده پایدار از غذای در دسترس. رعایت این دستورالعمل‌ها مستلزم تحقق تعهدات حقوق بشر تحت میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همکاری سازمان ملل متحد، تحت اعلامیه جهانی حقوق بشر (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) می‌باشد (Committee on world food security, 2004).

۵. تأثیر نظام سرمایه‌داری بر تشدید نبود امنیت غذایی

در کنار مکانیسم‌هایی که نظام سرمایه‌داری (لیبرال) در راستای مبارزه با بحران گرسنگی در چارچوب سازمان‌ها و توافقات بین‌المللی ایجاد می‌نماید، نباید از موانعی که این نظام برای توزیع غذای کافی و پیشرفت‌های ساختاری کشورهای در حال توسعه در زمینه توسعه پایدار غذا و کشاورزی بر سر راه کشورهای در حال توسعه و حتی طبقات و اقشار ضعیف کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌دهد، چشم پوشید. به این مناسبت به برخی از موانع یادشده در زیر اشاره می‌شود:

۱.۵. شرکت‌های چند ملیتی و انحصار مواد غذایی

بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که شرکت‌های چند ملیتی با کسب «حق انحصاری»، شیوه‌های کشت و کار و مهندسی زیستی، بذره‌های کشاورزی را کاملاً در کنترل خود درآورده‌اند. با اجرای سیاست‌های سازمان تجارت جهانی در باز کردن درهای بخش کشاورزی به روی شرکت‌های تجاری کشاورزی فراملیتی، سرمایه مالی توانست حاکمیت خود را بر این صنعت بسیار مهم که در واقع با زندگی بشری گره خورده است، به طور کامل تحمیل کند. در اثر پیشبرد روندی که هرگز در گذشته سابقه نداشته است، «غذا» به تجارتنی سودآور تبدیل شد و فرآیند تولیدات مواد غذایی و کشاورزی، در چرخه تجارت پر «نان و آب» جهانی‌سازی سرمایه‌داری قرار گرفت. بنابر آمارهایی که از بازارهای غذایی جهان به دست آمده است، دوازده شرکت اصلی که چهل شرکت واسطه را در زیرمجموعه خود دارند، کنترل «زنجیره غذایی» جهان را در دست گرفته‌اند. این دوازده شرکت که به نوبه خود زیرمجموعه پنج کارتل

فراملیتی غله جهان؛ یعنی کارگیل، کانتینتال گرینز، آرچر دانیلز میدلند، لوئیز دریفوس و بانگ اند بورن هستند، حاکمیت کامل و مطلق خود را بر بازار غله جهان، از گندم گرفته تا ذرت، از بلغور جو (شامل ذرت خوشه‌ای، جو، چاودار) تا گوشت، محصولات لبنی، روغن، چربی، میوه، سبزیجات، شکر و ادویه، اعمال می‌کنند (باقری، ۱۳۸۷).

۲.۵. مصرف‌گرایی

هدف نظام اقتصادی سرمایه‌داری جست‌وجوی سود بیشتر، کامیابی روزافزون‌تر و دستیابی به بالاترین درجه از رفاه و در یک کلمه رشد اقتصادی است. نظام سرمایه‌داری عدالت اقتصادی را در بالاترین درجه آزادی اقتصادی، کسب درآمد و انباشت ثروت و مصرف می‌داند. در این نظام، حفظ منافع سرمایه‌داران در پرتو ایجاد بازارهای جدید مصرف است و دخالت دولت برای آماده کردن زمینه مصرف بالاتر و انباشت سرمایه صورت می‌گیرد. از دیدگاه این مکتب، افراد توانمند نسبت به افراد ناتوان مسئولیتی ندارند و کسی مسئول رساندن رفاه به دیگری نیست. خانواده‌های انگلیسی هر ساله حدود ۸ میلیون و ۳۰۰ تن غذا و نوشیدنی را دور می‌ریزند، در فرانسه نیز در سال ۲۰۰۷م نه میلیون و ۷۱۳ تن غذا در زباله‌های خانگی دیده شد. میزان ضایعات غذا در سال‌های اخیر در این دو کشور پیوسته در حال افزایش بوده است (Fountain and Lamp, 2010:14).

امریکایی‌ها نیز حدود ۴۰ درصد از خرید سالانه مواد غذایی خود، به ارزش دست‌کم ۱۶۵ میلیارد دلار را دور می‌ریزند. این موضوع ممکن است روشن سازد که چرا خانواده‌های ۴ نفره امریکایی سالانه مواد غذایی به ارزش ۲ هزار و ۷۵ دلار را دور می‌اندازند. به طور متوسط امریکایی‌ها ۱۰ برابر خرید یک فرد در جنوب شرقی آسیا مواد غذایی را دور می‌ریزند که این مقدار در مقایسه با دهه هفتاد، ۵۰ درصد افزایش یافته است. بنابراین عجیب نیست که مواد غذایی بخش اعظم زباله‌های جامد در محل دفن زباله‌های امریکا را تشکیل می‌دهد. آمار و ارقام دولت امریکا نشان می‌دهد که سوپر مارکت‌ها به‌تنهایی با دور ریختن میوه و سبزیجاتی که به فروش نمی‌رسند، سالانه بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار به‌هدر می‌دهند (<http://www.presstv.ir>).

۳.۵. افزایش قیمت مواد غذایی

یکی از عواملی که همواره تأمین امنیت غذایی را به چالش می‌کشد، افزایش قیمت مواد غذایی است. در طی سال‌های اخیر برخی از دلایل اصلی افزایش قیمت مواد غذایی در جهان، افزایش مصرف در کشورهای در حال توسعه و جایگزینی بخشی از غلات و روغن به دلیل گرانی نفت

به جای سوخت‌های فسیلی و افزایش قیمت حمل و نقل و نهاده‌های تولیدی مثل کود می‌باشد (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶، ص ۱).

برای نمونه، در نیمه اول سال ۲۰۰۸م افزایش قابل توجه قیمت مواد غذایی به‌ویژه کالاهای اساسی باعث ایجاد بحران در بازارهای کالاهای اساسی و ایجاد چالش‌های جدی در بسیاری از کشورهای جهان در خصوص کالاهای استراتژیک و تأمین و عرضه مواد غذایی برای بخش عمده‌ای از مردم فقیر و کشورهای درحال توسعه گردید. در این سال، به دنبال افزایش قیمت نفت و فرآورده‌های آن و بحران غذایی، هزینه تولید کشاورزی هم افزایش یافت. به این ترتیب، برخی کشورهای مصرف‌کننده نفت نظیر ایالات متحده یارانه‌هایی را به منظور تشویق کشاورزان به تولید محصولاتی که بتوان از آنها انرژی مورد نیاز را به نحوی دیگر تأمین نمود، اختصاص دادند. در نتیجه کشاورزان امریکایی نیز با تغییر سطح کشت مزارع خود به کشت محصولاتی چون ذرت و اختصاص حدود ۳۰ درصد از تولید ذرت خود (به جای تولید مواد غذایی) به تولید اتانول در سال ۲۰۰۸م موجب دامن زدن به تقاضای این محصول و افزایش قیمت آن شدند. افزون‌براین، اغلب کشورهای تولیدکننده نفت و صادرکننده محصولات استراتژیک همچون گندم در جهان مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا، آرژانتین و کانادا، سطح زیر کشت این محصول اساسی را کاهش داده، آن را به تولید محصولاتی چون ذرت، سویا و آفتابگردان برای تولید سوخت‌های زیستی اختصاص داده‌اند. مجموعه این عوامل باعث افزایش ناگهانی قیمت غذا گردید و در پی آن، صدها میلیون نفر از مردم گرسنه جهان در معرض تهدید هرچه بیشتر قرار گرفتند و در اثر پیامدهای منفی ناشی از بحران، بسیاری از شاخصه‌های رفاهی با کاهش روبه‌رو گردید. بر طبق گزارش سازمان ملل، تأثیر سوء این بحران بیشتر در کشورهای افریقایی (مصر، کامرون، بورکینافاسو و سنگال) و آسیایی و تعدادی از کشورهای امریکای لاتین دیده شده است؛ چراکه سهم بالایی از هزینه خانوارها در کشورهای فقیر صرف خرید مواد غذایی می‌گردد. افزایش قیمت مواد غذایی افزون‌بر اقشار آسیب‌پذیر، قشر نسبتاً مرفه جوامع اروپایی و امریکایی را نیز با مشکل روبه‌رو ساخته است (قلی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۵-۱).

۴.۵. تأثیر منفی کمک‌های غذایی بین‌المللی

ژوزه دوکاسترو در کتاب *ثروپاتیک گرسنگی* می‌نویسد: «آنچه کمک بین‌المللی نامیده می‌شود و به صورت بخشش و یا وام و همچنین به صورت سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در مناطق درحال توسعه انجام می‌شود همواره نارسا بوده است و بد توزیع شده و بد به‌کار رفته است. توصیه سازمان ملل متحد دایر بر اینکه کشورهای ثروتمند جهان باید یک درصد درآمد ملی ناخالص خود را به کمک‌های بین‌المللی اختصاص دهند، از جانب همه کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته اجرا نشده است» (دوکاسترو، ۱۳۵۴، ص ۴۴۸). در سال ۲۰۰۸م در پی افزایش قیمت نفت

و دو برابر شدن قیمت مواد غذایی و غلات، کشورهای صنعتی متعهد شدند که برای مقابله با بحران امنیت غذایی بیش از ۱۲ میلیارد دلار به کشورهای فقیر کمک کنند، اما با گذشت یک سال (۲۰۰۹)، این کشورها تنها یک میلیارد دلار پرداخت کردند (زمانی، ۱۳۸۸، ص ۵۱-۵۰). افزون بر این، درباره آثار بالقوه برنامه کمک‌های غذایی پرش‌های بجایی مطرح می‌شود؛ زیرا همواره امکان کمک‌های غذایی فوری به بسیاری از کشورهای جنگ‌زده و مستعد قحطی افریقا وجود دارد. احتمال دارد دریافت‌کنندگان کمک‌های غذایی به گونه‌ای روزافزون به جیره غذایی دریافتی وابسته شوند. این مسئله ممکن است باعث شود قیمت محصولات جانشین که در محل تولید می‌شوند، کاهش یابد و سرانجام به دلیل تنزل قیمت، تولید محصولات کشاورزی به شدت لطمه ببیند. همچنین کمک‌های غذایی انگیزه کار را از کارگران سلب کند و در نتیجه، کمبود کارگر موجب تورم دستمزدها شود (شوهم و استیلز، ۱۳۶۶، ص ۳۴-۳۲).

۶. تأثیر مخرب نبود امنیت غذایی بر جامعه جهانی

پس از بررسی نقش نظام سرمایه‌داری در تقویت پایه‌های نبود امنیت غذایی، تحلیل پیامدهای منفی آن در سطح جامعه بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛ لذا می‌توان این تأثیرات را در سه بخش اجتماعی، جمعیتی و سیاسی به بحث گذاشت:

۱.۶. تأثیرات اجتماعی

۱.۱.۶. فقر

کارشناسان تغذیه، مصرف یک رژیم غذایی با ۲۵۰۰ کالری در روز را اساس تندرستی می‌دانند؛ از این رو استانداردهای پایین رژیم غذایی یکی از ابعاد تشدیدکننده فقر یعنی فراوانی بیماری است. کمبودهای مواد غذایی نه تنها از این نظر که مقاومت بدن را در مقابل بیماری‌ها پایین می‌آورند و موجب بیماری‌هایی همچون کواشیورکور می‌شوند، دارای اهمیت فراوان‌اند، بلکه موجب ضایعات خطرناک مغزی در کودکان می‌گردند (دونالدسن، ۱۳۶۵، ص ۵۱-۵۰). در طی بحران جهانی غذا در سال ۲۰۰۸م، افراد فقیر به‌ویژه در مناطق شهری از افزایش قیمت مواد غذایی زیان دیده‌اند. در بررسی تأثیرات افزایش قیمت کالاهای اساسی بر خانوارها و فقر در ۸ کشور کم‌درآمد در سال ۲۰۰۸، نتایج نشان داد که در شش کشور از آنها، رشد قیمت مواد غذایی با افزایش چشمگیر فقر همراه بوده است. بر اساس برآوردها، به‌طور میانگین در این هشت کشور رشد قیمت مواد غذایی میان سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷م فقر را سه درصد افزایش داده است (قلی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

۲.۱.۶. ترک کشاورزی و مهاجرت به شهرها

یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر مهاجرت انبوه و پیوسته روستاییان به شهرها، گذشته از بی‌زمین بودن، ناتوانی کشاورزان کوچک و خرده‌پا از تأمین زندگی است. زندگی سخت‌تر شده است، به‌ویژه از زمانی که کشورها سیاست‌های نتولیبرالی سفارش یا مدیریت شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و یا برخی سازمان‌های غیردولتی فعال در این کشورها را ایجاد کرده‌اند. در چارچوب ایدئولوژی نتولیبرال باید اجازه داد تا آنچه که بازار آزاد نامیده می‌شود، معجزه کند. گفته می‌شود از طریق ضمانت‌نامه‌های مهربانانه «دست نامرئی» (بازار آزاد)، اقتصاد بیشترین کارایی را خواهد داشت. آثار متوقف شدن پشتیبانی دولت‌ها در جهان سوم از کشاورزان خرده‌پا و همچنین مصرف‌کنندگان به معنای سخت‌تر شدن زندگی برای تهیدستان در این کشورهاست. گزارش بانک جهانی می‌گوید، در بیشتر کشورهایی که دست به اصلاحات اقتصادی زده‌اند، بخش خصوصی گامی به‌جلو برای پرکردن خلأ ناشی از عقب‌نشینی دولت برداشته است (مک‌داف، ۱۳۸۹، ص ۲۶۵).

۲.۶. تأثیرات جمعیتی

۱.۲.۶. افزایش جمعیت

در این بخش برآنیم تا رابطه مستقیم گرسنگی و افزایش جمعیت را به اثبات برسانیم. گواه این واقعیت را می‌توان در آزمایش‌های اسلوناکر مشاهده کرد. آزمایش‌کننده چند دسته از موش‌ها را تحت رژیم غذایی متفاوتی قرار داد. تفاوت این رژیم‌ها در مقدار کالری آن‌ها بود و به بررسی وضع آن‌ها در تولید مثل پرداخت. وی پس از مطالعه روی شش نسل متوالی به این نتیجه رسید، آن موش‌هایی که از لحاظ مقدار کالری مواد پروتئینی خوراکشان غنی‌تر بود، از هر نظر برای تولید مثل وضع نامساعدی داشتند، زیرا مرتب میزان عقیمی آن‌ها بیشتر می‌شد، موعد شروع باروری در ماده به تاخیر می‌افتاد، تعداد دفعات باروری کاهش می‌یافت و تعداد نوزادان هر شکم مرتب کم می‌شد. در خصوص نوع انسان نیز این واقعیت صدق می‌کند؛ دسته‌هایی که باروری بیشتری دارند، کسانی هستند که در غذاهای عادی مقدار کمی از پروتئین کامل حیوانی مصرف می‌کنند. بزرگترین ارقام توالد و تناسل مربوط به کشورهای خاور دور و افریقا و امریکای لاتین می‌باشد و برعکس کوچکترین رقم به‌دست آمده مربوط به کشورهای اروپای غربی، امریکا، استرالیا و زلاند جدید است (دوکاسترو، ۱۳۵۵، ص ۱۲۲-۱۲۰). بنابراین، طبق آزمایش اسلوناکر، افزایش جمعیت جهان معلول گرسنگی انسان‌هاست؛ لذا معضل رشد سریع جمعیت به میزان زیادی بستگی به سیر کردن انسان‌ها دارد.

در حقیقت، سرعت روبه‌رشد جمعیت، به منزله تشدید همه معضلات زیست‌محیطی است. براون و نیلسون با پژوهش‌هایی که در سال ۲۰۰۰م انجام داده‌اند، بر چنین یافته‌ای تأکید کرده‌اند. با افزایش تعداد انسان‌ها، میزان آلودگی تحمیل شده بر زمین، آب، فضا و هوا بیشتر می‌شود و مصرف منابع زمینی نیز افزایش می‌یابد. با توجه به این واقعیت که جمعیت جهان رو به فزونی است، باید گفت که حجم جمعیت، رابطه مستقیمی با میزان مصرف منابع زمینی دارد (<http://www.refah.ir>).

۲.۲.۶. مرگ و میر کودکان

کودکان در میان افرادی که در اثر افزایش قیمت مواد غذایی آسیب می‌بینند، بیشترین سهم را خواهند داشت. شواهد نشان می‌دهد که وقتی کمبود غذا و یا افزایش قیمت غذا رخ دهد و خانواده‌ها مجبور شوند تا به جای مواد مغذی از موادی با غذائیت کمتر استفاده کنند، نوزادان تا کودکان دو ساله بیشترین آسیب را خواهند دید؛ چرا که این سنی است که انسان به بیشترین مواد مغذی نیاز دارد تا بتواند رشد سالم و کاملی داشته باشد. اما اگر کودکان در این دوره سنی موفق به تغذیه سالم و مقوی نشوند، دیگر نمی‌توان آن را در سنین بالاتر جبران کرد. لذا افرادی که در دوران بحران غذایی متولد می‌شوند، معمولاً بیشترین آسیب‌ها را در دوران بعدی زندگی تحمل خواهند کرد (جو، ۱۳۹۰).

۳.۶. تأثیرات سیاسی

جنگ برای غذا در کشورهای قحطی‌زده و نیز کشورهایی که متأثر از نظام سرمایه‌داری با بحران غذا دست و پنجه نرم می‌کنند، یک امر متداول است. تظاهرات گسترده مردمی که در اعتراض به افزایش قیمت محصولات کشاورزی و غذایی در بسیاری از کشورهای فقیر در حال توسعه مانند مصر، گینه، بنگلادش، هائیتی، ساحل عاج و سومالی صورت می‌گیرد، از دو جنبه به تداوم و حفظ سیاست‌های نظام سرمایه‌داری کمک می‌کند (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶، ص ۳)؛ نخست اینکه دولت در این کشورها در مقابل شورش‌های مردمی مجبور به واکنش شده، در مقابل سیاست‌های بلندمدت دیکته‌شده از جانب بانک جهانی و ... وادار به درپیش گرفتن سیاست‌های کوتاه‌مدتی همچون افزایش یارانه‌ها و سیاست‌های کنترل قیمت می‌شود. این سردرگمی، دولت‌های در حال توسعه را از یک استراتژی باثبات غذایی که هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی در آن بسته به ظرفیت‌های ملی نقش داشته باشند، باز می‌دارد و به دنبال آن، باعث وابستگی روزافزون آن‌ها به نهادهای سرمایه‌داری در مقابل مشکلات داخلی می‌شود. دوم، نفس اعتراض، شورش و جنگ بر سر غذا از مشروعیت دولت‌ها می‌کاهد، رشد اقتصادی

و ثبات در توسعه را به تأخیر می‌اندازد، به مشکلات اجتماعی می‌افزاید و امکان اجماع بین نخبگان دولتی و توده مردم را از بین می‌برد؛ از این رو، دولت‌های یادشده مادامی که دست به گریبان مشکلات داخلی برای تأمین اساسی‌ترین نیاز توده مردم می‌باشند، قادر نیستند در صحنه سیاست بین‌الملل در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی سهمی برای خود در کنار قدرت‌های بزرگ در نظر بگیرند.

۷. نتیجه

اگر اقدامات سازمان‌ها و به‌طور کلی معاهدات بین‌المللی را در راستای مبارزه ساختاری با معضل گرسنگی تفسیر کنیم، عبارت مبارزه ساختاری فحوی گمراه‌کننده‌ای خواهد داشت. در واقع نمی‌توان به انکار تلاش جامعه بین‌المللی در زمینه‌های فهم بجا از مسئله توزیع نامناسب غذا، برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، برگزاری جلسات مشاوره با کشورهای در حال توسعه، کمک به قحطی‌زدگان و آوارگان به‌طور مقطعی و دوره‌ای و ... پرداخت، اما این را هم نمی‌توان از نظر دور داشت که آمارهای برنامه توسعه ملل متحد حاکی از آن است که ۶۰ درصد مرگ و میر سالانه در جهان، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم معلول گرسنگی و کمبود غذایی است (ابراهیم گل، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲). از طرفی با توجه به این موضوع که بحران کمبود مواد غذایی ناشی از کمبود و نبود مواد خوراکی نیست، توجه تحلیل‌گران را به سوی سیاست‌های نظام سرمایه‌داری در دامن زدن به نبود امنیت غذایی جلب کرده است. بنابراین دغدغه اصلی این مقاله، معطوف به ریشه‌یابی و فهم موانعی شد که به‌طور نهادی از جانب نظام سرمایه‌داری بر سر راه سازمان‌ها و توافقات بین‌المللی برای حل و فصل مسئله گرسنگی قرار می‌گیرند. در این زمینه می‌توان به هماهنگی استراتژی سازمان‌هایی چون تجارت جهانی با شرکت‌های چند ملیتی غذایی اشاره نمود که پیامد آن حاکمیت مطلق این شرکت‌ها بر زنجیره غذایی جهان و به انحصار درآوردن مواد غذایی است. مصرف‌گرایی و اسراف‌کاری نیز در تاروپود نظام سرمایه‌داری دمیده شده است. نداشتن احساس مسئولیت نسبت به کسانی که از گرسنگی رنج می‌برند، به‌درستی با آمارهای به‌دست آمده از ضایعات مواد غذایی و آشامیدنی در کشورهای عمدتاً توسعه‌یافته، اثبات‌شدنی است. در همین راستا، افزایش قیمت مواد غذایی در جهان به دلیل نبود نهادهای نظارتی بین‌المللی و عرضه نکردن برخی مواد غذایی به بازار جهانی به دلیل استفاده آن‌ها به جای سوخت‌های فسیلی از سوی کشورهای توسعه‌یافته، و دیگر سیاست‌های نئولیبرالی، موجب تأثیر مستقیم بر ناتوانی اقشار ضعیف برای تهیه مواد غذایی لازم در همه کشورهای جهان از امریکا و انگلستان گرفته تا بورکینافاسو و فلیپین می‌شود. همچنین برخی از صاحب‌نظران علوم اقتصادی و سیاسی، کمک‌های غذایی ارائه‌شده از سوی کشورهای ثروتمند

به کشورهای فقیر را یا ناکافی و نارسا دانسته‌اند یا نفس کمک غذایی را موجب وابستگی روزافزون کشورهای فقیر به کشورهای توسعه‌یافته برشمرده‌اند. نکته آخر اینکه تأثیر منفی سیاست‌های نظام سرمایه‌داری در تهیه و توزیع غذا در اشکال مختلف اجتماعی، جمعیتی و سیاسی، جبهه جدیدی را بر روی ارگان‌های بین‌المللی گشوده است. فقر، تغییر شکل زندگی اجتماعی در کشورهای درحال توسعه، مرگ و میر نوزادان و همین‌طور افزایش جمعیت جهانی، به جنگ و کشمکش برای تهیه غذای لازم و آثار نگران‌کننده آن انجامیده است. تبعات پیش‌گفته مبین وضعیت نامطمئن آینده برای بشریت و قرار گرفتن کوشش‌های جامعه بین‌المللی در یک دور باطل است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۷)، حق بر غذا: پیش شرط سایر حقوق، مجله حقوق بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوق بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۵، شماره ۳۹.
۲. باقری، خسرو (۱۳۸۷)، بحران مواد غذایی و سیمای واقعی نظام سرمایه‌داری، در سایت: <http://www.khosrobagheri.blogfa.com/post-62.asp>
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی: سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
۴. چامسکی، نوآم (۱۳۷۹) بهره‌کشی از مردم، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر دیگر.
۵. جوام، ناصر (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی تبعات گرانی بر جمعیت، نئولبرالیسم و نظم جهانی: جهان، در سایت: <http://www.mojnews.com>.
۶. دونالدسن، پیتر (۱۳۵۶)، جهان فقیر، جهان غنی دو دنیای جدا از هم، ترجمه بابک قهرمان، تهران: نشر سپهر.
۷. دوکاسترو، ژوزه (۱۳۵۵)، ژئوپلیتیک گرسنگی: انسان گرسنه، ترجمه منیر جزینی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۸. زائری، اسدالله (۱۳۸۷)، تاریخچه فعالیت ملل متحد در مبارزه با گرسنگی، در سایت: <http://zayeri.blogfa.com/post-13.aspx>
۹. زمانی، سهیلا (۱۳۸۸)، جهان در رویارویی با بحران امنیت غذایی، گاهنامه، سال ۱۹، شماره ۲۱۴.
۱۰. سازمان خواروبار کشاورزی (۱۳۶۸)، کشاورزی سال ۲۰۰۰، تهران: مدیریت انتشارات و مطبوعات جهاد سازندگی.
۱۱. شوهم، جرمی و استیز، برنوا (۱۳۶۶)، کمک غذایی و عادات غذایی، نشریه علوم انسانی پیام یونسکو، شماره ۲۰۴.
۱۲. فدایی، سوسن (۱۳۹۱)، سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد (فائو) برنامه جهانی غذا، در سایت: <http://rasekhoon.net/article/show//212219>
۱۳. قلی پور، سمانه (۱۳۹۰)، مروری بر عمده‌ترین چالش‌ها و تبعات بحران غذایی، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۵۰.
۱۴. مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۶)، وضعیت تولید و تأمین غذا در جهان و ایران در سال جاری، تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی، کار گروه امور کشاورزی.
۱۵. مظاهری راد، حمید (۱۳۸۹)، سرمایه‌داری یا کاپیتالیسم چیست؟ در سایت: <http://ahzab1.blogfa.com/post-400.aspx>
۱۶. مگ داف، فرد (۱۳۸۹)، بحران جهانی غذا: علت‌ها و راهکارها، ترجمه علی دینی، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، شماره ۲۵۳ و ۲۵۴.

17. <http://www.refah.ir>.

18. <http://www.presstv.ir/detail/fa/257575.html>.

(ب) خارجی

19. Biersteker, Hall R. B. (2002), *The emergence of private authority in global governance*, Cambridge university press.
20. Committee on world security (2004), “voluntary guidelines to support the progressive realization of right to adequate food in the context of national food security”, <http://www.Fao.org/docrep/meeting/008/j3345e/j3345e01.htm>.
21. Fao (2010), “The state of food and insecurity in the world—addressing food insecurity in protracted crises”, Rom: food and organization united states.
22. Fao (2008), “the state of food insecurity in the world Economic crises – impact and lessons learned”, <ftp://ftp.fao.org/docrep/fao/0//1j0229te00.pdf>.
23. Fao (1996), “Rome declaration on world security and world summit plan of action”, <http://www.fao.org/wfs/indexen.htm>.
24. Food aid convention, (1999), <http://www.fao.org/legal/rtf/fac99-e.htm>.
25. Friedman, H. (1993), “The political economy food: a global crisis”, *new left review*, January-February 1.
26. Hargreaves, Debareh (1996), London, February 2.
27. Lamp, Georgin and Fountain, Lisa (2010), “wast in action”, <http://www.podpdf.com/ebook/potato-pals-2pdf.html>.
28. Res, G.A. (1997), 51, 71 UN.doc.a/52/150 (July 18), <http://www.un.org/ga/52/agenda/prorisi.htm>.
29. Sodano, Valeria (2012), “food policy beyond neoliberalism”, university Federico II of Naples, Italy.
30. Scatt, Bruce (2006), “The political economy of capitalism”, <http://www.hbs.edu/faculty/publication%20>.
31. United nation (2000), “United nation millennium development goals”, <http://www.un.org/millenniumgoals/bkgd.shtml>.
32. World food conference (1974), “United declaration on the eradication of hunger and malnutrition”, <http://www2.ohch.org/English/law/malnutzition.htm>.

Archive of SID